

همه آنها - مقابل تجزیه هراس - خواهند استاد



است. جراد از اصلاح طلبان به ان روزها دامن (Moral Panic) «بحث تجزیه طلب آنونه که در روزها اخر مطرح شده است، مصداق مفهوم «وحشت اخلاق زدن به ان موضوع را آغاز رده اند و هردها ون سعد حجاران و محسن دور به به ان باز وارد شده اند، باز غراخلاق، غرانسادو ناروا را شروع رده اند

وحشت اخلاق به مجموعه از شوهها، روشها و استراتها فته مشوده روه ذنفع برا سروب و نترل اقلت به ار مرد. به عنوان مثال وقت قرار است با مهاجران غرقانوذ در آمرای برخورد شود، هراس از مهاجران غرقانوذ (سازده از آمرای جنوب مآند) تولد مشود. ان مهاجران به عنوان افراد خطرنا، مجرم و خطرنا معرف مشوند. هنامه ان وحشت اخلاق از آن روه اقلت شل رفت، آناه راه برا برخوردها غرقانوذ، سروب رانه و خشونت آمز باز مشود. ار روه ذنفع توانست وحشت اخلاق را اجاد ند، آناه قادر خواهد بوده ساستها قهر خود را نزا اعمال ند

وحشت اخلاق را بار اول استندوهن در سال مطرح رد. وحشت اخلاق مفهوم است به ما مند تا بفهمم ونه ممن است در برخ جوامع نسلش» تمام عار اتفاق بفتد با ان وجود اثرت سات بمانند، با رضات سر تان مدهند، ا خود را به ندانم ار بزنند؟

مثال واضح بهره ر از مفهوم وحشت اخلاق را در آلمان ناز مبنم. در آن سائها هودان به عنوان خطر اجتماع و به عنوان «موجودت خطرنا»، «حرص»، «خائن» و «ضد مله» معرف شدند. هنامه ان تصور از هود شل رفت و جامعه آن را نرفت، آناه نازها قادر بودند هر جناة را در حق آنان مرتب شوند و اثرت جامعه با آنان همراها سوت ند. را؟ ون آن اقلت هود مصداق روه خطرنا معرف شده بوده لت انسجام و وجود جامعه را تهدد مرد. مثال در هراس و وحشت اخلاقه در جهان امروز راج است، مفهوم «اسلام هراس» است. در ابتدا اسلام معادل ترورسم معرف مشود. هنامه ان مفهوم در اذهان جا افتاد، آناه دولتها غربا اثرت قادر خواهند مسلمانان را به عنوان اقلت نترل و سروب نند

وحشت اخلاق، بنابراین، ناظر به شوهها، استراتها و فتمانها است که دنبال اجاد تصور شطاذ، خطرنا، مجرمانه و ترسنا از اقلت است. با اجاد ان تصور شطاذ، اعضا روه ذنفع اثرت بسج مشوند تا اقلت را سروب نند اثرت را قانع ند تا در قبال عملات سروب سوت نند. «وحشت اخلاق» باعث مشود تا اثرت شم بر بندند تا دولت هر ونه مال باشد با اقلتها برخورد نند

تجزیه هراس از مصداق بارز «وحشت اخلاق» در ارا ن است. «تجزیه هراس» عذامن زدن به ان هراس که روهها از مردم دنبال تجزیه شور هستند و ممن است برخاز نروها بانه به آنان منند تا ان امر محقق شود. ان مدعا عنوان مند که مردم بخشها از شور، به دلایل مختلف، به زاردها ذل رسده اند

اول انه اعتقاد دارنده در ساختار نوزده آنها ظلم مشود

دوم انه امد به تخر و بهبود ان ساختار تبعض آمز ندارند

سوم آنه باور دارند در قالب شور مستقل از ایران آینده بهتر برا خود و فرزندانشان وجود خواهد داشت

بنابراین تصمیم گرفته‌اند که در قالب دولت-ملت فعلی ایران باقی‌مانند و دنبال تجزیه بروند

بنابراین اقلیت‌ها (انجا مردم بوم و قوم‌ها) نه تنها به عنوان تهدیدندان انسجام جامعه معرفی میشوند، بلکه آنها به عنوان همدست نیروها خارج‌بر از بن‌بردن جامعه ایران، و بنابراین دشمن جامعه، معرفی میشوند

سؤال اول این است که آیا واقعا این روش با زارها بالا در حال رشد است؟ در فقدان روش علم‌اسخ به این سؤال دشوار و بحث‌برانگیز خواهد بود. اما احتمال «تجزیه‌هراسان» شواهد دارند که دامن زدن به این بحث را آغاز کرده‌اند. فرض نم که صحبت‌ها تجزیه‌هراسان جد است و این روش تقویت شده و رشد کرده است

آناه سؤال در-قبل از افتن راه حل- (به و به تجزیه‌هراسان) این است که بر این اتفاق رخ داده است. این سؤال به و به آنازه باور دارند ایران واحد به هم بسته و تاریخ است و مردم ما برای قرن‌ها متماد در نار هم زندگی کرده‌اند، جد تر است. ایران واحد لم تجزیه به شل تاریخ بوده، را انون آنان تصور مندر و از مردم (آنقدر زادا قوه موجب هراس شده‌اند) خواستار تجزیه ایران هستند؟ بر این روش شل رفته، رشد کرده و به حد هراسنا رسیده است: به انون باد مردم را برای مقابله با آن بسج نند؟ تجزیه‌هراسان، ار میخواهند امراتر از خلق وحشت اخلاق بروند، باد به این سئوالات اسخ دهند

اول، راروه اروه‌ها از مردم که قرن‌ها متماد در نار هم زیسته‌اند انون به این باور رسیده‌اند که در ساختار نوذبر اساس قوم، و مذهب و به شل ساختار در حق آنان تبعض اعمال میشود؟

دوم آنه بر این مردم امد خود به اجداد و شلر ساختار عدالت محور در اروپ و قالب دولت-ملت ایران را از دست داده‌اند و در اندیشه ساختار بدل هستند؟

و بدن بر طبل هراس تجزیه طلب بدون اسخ به سئوالات بالا و حتفتوا اندشدن در این باره دو فرض را به ذهن متبادر مند که هر دو نشان مدهد: «تجزیه‌هراس» در حال حاضر به عنوان مصداق بارز اجداد وحشت اخلاق به ار مرود

فرض اول این است که تجزیه‌هراس در ایران برای بسج اجتماع و ساس استفاده میشود. تجزیه‌هراسان میخواهند با اجداد و بهره‌ر از این وحشت اخلاق حومت را بترسانند تا از تندر وها خارج باهدا میخواهند مردم را بسج نند تا در نار حومت در جد محتمل باستندا آنه دنبال سروب اقلیت‌ها بوم هستند. در هر سه حالت این شوه بهره‌ر از «تجزیه‌هراس» نش غر اخلاق، و غرانساز است و نتیجه اجز ضربه زدن به اقلیت‌ها در نخواهد داشت

فرض دوم این است که تجزیه‌هراسان به شل ناخودآه/خودآه بر این باور هستند که ایران شور شننده و تجزیه شده است که با زور اسلحه به هم نه داشته شده است؛ بنابراین تجزیه طلب‌ر اشد ذات و جوهر است و بنابراین فتو در باره «تجزیه طلب» بمعنا و بنتجه است. بن مدعا، از قضا، به جد توسط برخ تجزیه طلبان نیز مطرح میشود. در این فرض نیز «تجزیه‌هراس» به مثابه «وحشت اخلاق» بهره رفته میشود تا فتو سازنده در خصوص وضعت مردم بوم صورت نرد و مان سروب و به حاشه راندن اقلیت‌ها در دستور ار باقی‌مانند

از تمام سازه بر آتش هراس تجزیه طلب مدمند خواهش دارم که متوجه باشند دامن زدن به این وحشت اخلاق، بدون التزام به فتو در باره آن، برای بسار از مردم حاشه که در حال مبارزه بر حقوق اوله خود هستند بران تمام خواهد شد. لطفا سز رارت نند و در برود. ار جد هستند باستد تا با هم فتو نم

آنازه دنبال خلق این وحشت اخلاق هستند، متوجه باشند که «تجزیه طلب» مانند برسبها «محاربه»، «ترورسم» و «اقدام علیه امنیت مل»، عبارت تر روشن، مبهم، بر هراس، و نفس خفن است. وقت سرا به آن متهم منند، از هست ساقط میشود. به باره تمام قوان اجتماع و مدد در باره او ساقط میشود. او استثنا میشود که میتوان هر ونه با او برخورد کرد. این نیز برسب مجاز نیست. ار هم مجاز باشد- نیست- اولاً تشخیص آن بر عهده قوه قضاه عادل است و البته قبل از آن باد توسط نهادها عادل در و به شل جمعه به شل روشن تعرف شود؛ هر دو شرط وجود ندارد

از سال گذشته تا نون تعداد زاد از جوانان عرب بازداشت شده‌اند. لست نام بازداشت‌شدان را منتشر کرده‌ام. اما جامعه مدبران در آن باره سات است. حتا خبر منتشر نمند. دل آن در همن هراس تجزه طلب است. آن برسب «تجزه طلب» و «امنت» انقدر قانع‌نده و هراس‌افن است ه سات ملل نست به آن بازداشت‌شدان فرند

برا نشر سات منصف سئوال آن است ه تجزه طلب است؟ آن در حال رشد است؟ و ار بد، را در حال رشد است؛ و او به عنوان فرد مخالف تجزه طلب ه متواند بند ه جلو رشد تجزه طلب را برد. اسخ آن سئوالات در بسار از احان به دفاع از قشرها مظلوم حاشه منجر خواهد شد. وقت فارس از تهران در نار عرب اهواز استاد تا با ظلم بچنند آناه امد به باهم بودن بالا مرود؛ و لوقت نوشته‌ها و تحلل‌ها مرزراان به راها امنت ختم مشود و سوت در برابر ظلم، آناه آنها تنها دنبال خلق وحشت هستند ه به سود روه ذنفع است

آخرا نه، ار شما اصلاح طلب؛ شما آزادخواه، شما دموراس طلب توان اسخو به نار آمد سات و اقتصاد در حاشه شور را ندارد، ار نمتواند با آن وئبر رد همدردند، ار نمتواند با آن شاورز عرب همصدا شود، ار نمتواند با آن خانواده آواره بلو همدردند، ار نمتواند صدا زندانان سات مردم بوم باشد، آناه از آن قشرها فرودست برا بسج اجتماع و سات بهره نرد. لطفارا و مشروعت به نهادها امنت و قضا ه مطالبات اوله آن مردم را با همن برسبها سروب منند، ندهد. لطفا دامن به آن وحشت اخلاق نزند

منبع: انال تلرام «رزوم»، انال شخصه نوسنده